

رمزگشایی از ساختارهای پیوسته در سیمای شهرهای تاریخی مورد پژوهی: شهر رم در ایتالیا و شهر اصفهان در ایران

راضیه لبیبزاده^{۱*}، محمد حسام کشاورز^۲، سپیده اشکان^۳

۱- استادیار، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، r.labibzadeh@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، Hkeshavarz99@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات،

تهران، Sepideh.ashkan@yahoo.com

چکیده

در شهرهای ماشین زده امروز یافتن ردپایی از منظر شهری هماهنگ و انسان مدار جز در پرسپکتیوها و منظرگاه هایی کمیاب ممکن نیست. تراکم شهری ناهمگون و خط آسمان نامتعادل و عدم پیوستگی در جداره های شهری در اغلب گذرگاه ها و معابر خرد و کلان، شهروندان این شهرها را در معرض آسیب های متعدد جسمی و روحی قرار داده است. صد پاره شدن ساختارهای شهری اصیل و عبور گذرگاه های عریض و طویل در میان آنها حاصلی جز از بین بردن ارزش های بصری و ریشه کن کردن میراث صدها ساله و حیرانی مخاطبان در مواجهه با منظرهای آشفته شهری نداشته است. این نوشتار بر آن است تا با رمزگشایی و استخراج الگوهای پنهان در پس ساختارهای شهری کهن، به ویژه در پیوستگی کالبدی و مراکز مهم شهری در قالب دولت شهرها (در این مقاله اصفهان در ایران و رم در ایتالیا)، اهمیت سیما و ساختار شهری پیوسته را در اثرگذاری بر مخاطب و افزایش غنای حسی و بصری وی و ایجاد شهرهای انسان مدار برجسته سازد. این پژوهش با بهره گیری از روش پدیدارشناسی و تحلیلی تفسیری، ساختار دو شهر تاریخی رم در ایتالیا و اصفهان در ایران را در تحلیل عامل به هم پیوستگی ساختار شهری پیوسته مورد تدقیق قرار می دهد. یافته ها نشان می دهد شبکه های به هم پیوسته در ابعاد کالبدی: هندسه ساختار اصلی شهر، شاخصه های به کار رفته در پوسته های شهری، پیوستگی و تداوم پرسپکتیوهای معابر مختلف شهر، نقش پلازاها و فضاهای میانی و ... در قابلیت محیط کالبدی در تعامل محتوایی با مخاطب و تاثیر بر گردشگران نقش تعیین کننده ای دارد.

واژه های کلیدی: شهر تاریخی، سیما و منظر شهر، پیوستگی، شهروند، گردشگری